



ایران:

انقلاب زنانه، مصافی مهم علیه اسلام

آزادی زنان در ایران از سلطه رژیم اسلامی، در عین حال تاثیر بسیار مهمی در کل منطقه دارد. تمام دنیایی که تحت اسلام قرار دارد، با سرنگونی رژیم اسلامی در ایران نسیم آزادی را احساس خواهد کرد. در این منطقه اختناق زده در پیچه ای بسوی آزادی جنسی، برابری جنسیتی و سکولاریسم باز خواهد شد. سرنگونی رژیم اسلامی و پیروزی جنبش آزادی زن در ایران یک ضربه مهم به اسلام است. جنبش سرنگونی طلبانه مردم در ایران به همراه جنبش آزادی زن، با سرنگونی رژیم اسلامی جنبش تروریستی اسلامبستی را نیز حاشیه ای میکند و با اسلام همان کاری را میکند که انقلاب 1789 فرانسه با مسیحیت و کلیسا کرد.

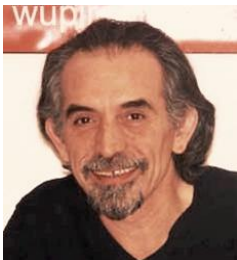
صفحه ۲

آذر ماجدی



تونس:

زنان دیروز علیه بن علی، امروز علیه اسلام سیاسی
فریاد سرنگونی النهضه بلندتر میشود!



تونس:

حکومت اسلامی باید برود!

خواست "سرنگونی دولت اسلامی النهضه" باید عملی و تثبیت شود. این فوری ترین گام اردوی آزادی و برابری و سکولاریسم در تونس است. بدرجه ای که امر سرنگونی دولت النهضه در دور سازش و پروسه مذاکرات طول بکشد، به عملی شدن سناریوهای دیگر میدان میدهد. سناریوهایی که ماهیتا راه حل راست را در مقابل راه حل انقلابی و چپ و کارگری برجسته میکند.

صفحه ۶

سیاوش دانشور

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



ایران: انقلاب زنانه، مصافی مهم علیه اسلام

آذر ماجدی

می‌کند. از آنجا که فعالین جنبش زن و تقریباً تمام سازمان‌های زنان متعلق به چپ بود، این خصلت جنبش چپ به یک مانع بزرگ برای سازماندهی یک جنبش وسیع و میلیتانت زنان بدل شد.

مدرنیسم یا شرق زدگی؟

جامعه ایران در آن دوران با دو گرایش متضاد دست به گریبان بود. یکی، گرایشی که می‌توان آنرا مدرنیسم خواند: تمایل به انتگره شدن در دنیای غرب، تمایل به برخورداری از آزادی‌ها و فضای آزادتر، غیر سنتی‌تر و مدرن‌تری که در دنیای غرب حاکم بود، گرایش به فرهنگ غربی. آزادی زن و مقابله با سنت‌های اسلامی و شرق زده ضد زن یک وجه مهم این مدرنیسم بود. اما این مدرنیسم در اذهان جامعه به شکلی عوامانه با ایدئولوژی رژیم حاکم تداعی شده بود و از این رو مخالفین سیاسی رژیم در تقابل با این مدرنیسم قرار می‌گرفت و سنت‌های عقب مانده اسلامی- ناسیونالیستی را آنچه که می‌توان "شرق زدگی" نامید، تقدیس می‌کرد. ضدیت "آل احمدی" با نظام سلطنت که از موضع عقب مانده نظام ارباب رعیتی پیشین، دهقان کنار جالیز خیار، نظام اندرونی- بیرونی و زنان مطیع خانه نشین نشأت می‌گرفت و بیان می‌شد، به فرهنگ حاکم اپوزیسیون ضد سلطنت از راست تا بخش عمده چپ بدل شد.

چرا عوامانه؟

رژیم حاکم یک دیکتاتوری مطلق بود و لذا هیچگونه سنجی با آزادی‌های سیاسی و اجتماعی نداشت. ایدئولوژی این نظام، نه "مدرنیسم غربی" بلکه ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی بود. زن ستیزی یکی از مشخصه‌های مهم این ناسیونالیسم است. در سنن و تاریخ عظمت طلب ایرانی هیچگونه رد پای آزادی زن و برابری زن و مرد قابل رویت نیست. بعلاوه، رژیم سلطنت در یک پیمان و پیوند جدایی ناپذیر با اسلام و نهاد مذهبی بود. تنها بروزات مدرنیسم اجتماعی که از نتایج بلافصل حاکمیت نظام سرمایه داری است، گسترش امکانات تحصیلی برای دختران و زنان بود. تا آنجا که به اشتغال زنان مربوط می‌شود، آمار اشتغال زنان بسیار پایین بود. قوانین خانواده و مناسبات میان زن و مرد طبق قوانین شرعی اسلام فرموله می‌شد. محمد رضا پهلوی که ظاهراً نماینده این "مدرنیسم" از دید اپوزیسیون بود، در مصاحبه‌ای با اورپانا فالاجی دیدگاه بسیار عقب مانده و مردسالار خویش را برملا می‌کند.

با در نظر گرفتن تضاد و تنش میان این دو

جنبش آزادی زن فراز و نشیب‌های بسیاری را در سی و دو سال اخیر پشت سر گذاشته است. در متن آنچه به انقلاب 57 معروف شد نطفه‌های یک جنبش نوین آزادی زن شکل گرفت. با تضعیف سیستم دیکتاتوری و اختناق سلطنتی محافل و سازمان‌های زنان بوجود آمد. این محافل و سازمان‌ها توسط زنان چپ ایجاد شدند. در دوران انقلابی همراه با عروج جریان اسلامیستی به رهبری جنبش سیاسی ضد رژیم سلطنت، البته با کمک و طرح و نقشه دولت‌های غربی در هراس از عروج چپ و کمونیسم در ایران نگرانی و اضطراب از آینده شرایط زنان در جامعه تحت حاکمیت اسلامیست‌ها بشکل زرمزه در جامعه جاری شد. لیکن یک توهم پوپولیستی همه با هم، "بحث بعد از مرگ شاه" و "وحدت کلمه" به این زرمزه‌ها اجازه تبدیل شدن به یک صدای رسا و یک جنبش گسترده حقوق زن نداد.

8مارس 1979 برابر با 17 اسفند 1357 یک روز تعیین کننده در تولد جنبش نوین حقوق زن در ایران است. روزی که یک ابراز توده‌ای از مقاومت، از اعتراض و از حق طلبی در جامعه عیان شد و رژیم تازه بقدرت رسیده زن ستیز اسلامی را به مصاف طلبید. این روز نه فقط در تاریخ جنبش آزادی زن در ایران، جنبش عمومی سیاسی - اجتماعی ایران، بلکه در تاریخ جنبش آزادی زن در سطح بین‌المللی نقش بسته است. روزی که زنان به حجاب نه گفتند. این حرکت زنان در ایران، عملاً آنها را بعنوان پیشتاز جنبش اعتراضی زنان به قوانین و ایدئولوژی اسلامی در سطح بین‌المللی قرار داد.

این روز آغاز یک دوره کوتاه از عقب نشینی رژیم در مقابل جنبش حقوق زن بود. تحمیل اولین عقب نشینی و تعرض توده‌ای به رژیم توسط جنبش حقوق زن انجام گرفت. یکی از خصوصیات این اعتراض توده‌ای، مشخصه‌ای که بویژه در دهه 80 و 90 میلادی اهمیت اش بارز میشود، اعلام این شعار است که "حقوق زن نه شرقی، نه غربی، جهانی است".

تاکید بر جهانی بودن یا جهانشمول بودن حقوق و آزادی زن در آن مقطع بعنوان یک واکنش سیاسی در مقابل حملات ایدئولوژیک - سیاسی اسلامیست‌ها اتخاذ شد. یک مشخصه این شعار بعنوان عکس العملی به تعرضات ارتجاعی اسلامیست‌ها به فرهنگ غربی و جنبش کمونیستی بود. بویژه آنکه در آن مقطع پوپولیسم شکل غالب جنبش چپ در ایران بود که به میزان زیادی "شرق زده" و تحت تاثیر افکار و اخلاقیات آل احمدی بود. چپ‌هایی که بعضاً مبارزه ضد امپریالیستی را با مبارزه با فرهنگ غربی یکی می‌گرفت و صریحاً اعلام میکرد که با فرهنگ امپریالیستی مبارزه

در گورهای دستجمعی ندارد، نگرشی متفاوت به شرایط دارا است. این نسل میخواید مثل تمام جوانان دنیا زندگی کند. مدرن است، سکولار است، خواهان همراه و همگام شدن با دنیای قرن بیست و یک است. این نسل با رژیم اسلامی دارای یک تضاد آشنی ناپذیر است. زندگی تحت یک رژیم اسلامی یا مذهبی را نمیخواهد و در حال دفع آنست.

این نسل ضد آپارتاید جنسی، ضد حجاب و محدودیت های اسلامی است. آزادی جنسی علیرغم مجازات سنگینی که دارا است، در میان این نسل گسترده است. ارقام بالای سقط جنین، علیرغم غیرقانونی بودن، خطرناک بودن و مجازات سنگینی که حکومت برای آن در نظر گرفته است، یکی از شواهد این پدیده است. عصیان علیه سنت و قیود و بندهای سنتی و مذهبی وسیع است. این فاکتور نیز به قدرت و جان سختی جنبش حقوق زن میافزاید. این تضاد نسلی یکی از خصلت های اساسی جنبش حقوق زن است.

جنبش آزادی زن با جنبش های اجتماعی دیگری که در جامعه ایران عروج کرده اند، جنبش سکولار، خلاصی فرهنگی و مذهب زدایی در پیوند و انطباق کامل قرار دارد. در بسیاری موارد فعالین این جنبش های یکی هستند. علت بسیار روشن است، آزادی زن رابطه نزدیک و مستقیمی با مذهب زدایی، سکولاریسم در سطح حکومتی و جنبش خلاصی فرهنگی از سنن و قیود عقب مانده دارد.

این واقعیت، جایگاه بسیار مهم و تعیین کننده ای به جنبش آزادی زن در ایجاد تحولات پایه ای در جامعه و استقرار یک نظام آزاد و برابر می دهد. بویژه از این رو که رژیم اسلامی و جنبش اسلامی هویت ایدئولوژیک خویش را با زن ستیزی تعریف می کنند و حجاب اسلامی را به بیرق جنبش خود و آپارتاید جنسی را به یک اصل خدشه ناپذیر نظام سیاسی - اجتماعی خود بدل کرده اند، جایگاه جنبش آزادی زن در تقابل با این نظام و جنبش بسیار کلیدی و تعیین کننده می شود.

ایران:

انقلاب زنانه، مصافی مهم علیه اسلام ...

همچون تز و آنتی تز یکدیگر متولد شدند. یک تنش و کشمکش دائمی و بلاانقطاع میان آنها جریان داشته است. گسترش و شکوفایی یکی مستلزم شکست و درهم پاشیده شدن دیگری است. از این رو است که رژیم اسلامی هرگاه قصد محکم کردن بندهای اختناق بر جامعه را داشته و دارد، هرگاه میخواید جامعه را به سکوت و عقب بکشاند، هرگاه میخواید گلوی جامعه را تنگ تر بفشارد، به زنان حمله میکند، حجاب و "عفاف" را علم میکند و دار و دسته های اوباش عفاف را به جان زنان و مردم می اندازد. حجاب اختناق بر جامعه با حجاب اسلامی بر زنان تحکیم و تثبیت میشود. یک جدال آشنی ناپذیر، یک شکاف پر نشدنی میان آزادی زن و رژیم اسلامی، میان جنبش حقوق زن با جمهوری اسلامی و جنبش اسلامیستی، میان آزادی زن با اسلام موجود است.

جنبش حقوق زن پس از شبه کودتای خونین 30 خرداد 1360 و آغاز نسل کشی در زندان های مخوف رژیم به محاق رفت. اما مقاومت منفی، مقاومت فردی زنان هیچگاه خاموش نشد. زنان متعددی که شلاق خوردند، زنانی که سنگسار شدند و در زندان ها افتادند، حتی زنانی که با خودکشی "نه" خود را به مناسبات مردسالارانه و زن ستیز اعلام کردند، سربازان گمنام جنبش آزادی زن هستند.

تضاد نسلی

یک فاکتور اساسی در شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه و جنبش آزادی زن تضاد نسلی موجود در جامعه است. نسل جدیدی که تحت رژیم اسلامی بدنیا آمده و رشد کرده است، نسلی که خاطره دست اول و زنده ای از نسل کشی دهه 60، از شکنجه های وحشیانه، از زنده بگور شدن انسان ها

گرایش، مدرنیست و شرق زده، شعار "آزادی زن نه شرقی، نه غربی، جهانی است" یک شعار دفاعی در مقابل هجوم اسلامیت ها و فرهنگ حاکم بر چپ پوپولیست است. این شعار اگر در ابتدا خصلتی دفاعی در مقابل فرهنگ و سیاست حاکم در جامعه ایران داشت، در دهه 80 و 90 میلادی اهمیتی بین المللی یافت. دست بالا پیدا کردن تز نسبت فرهنگ یک هجوم مهم ایدئولوژیک به آزادیخواهی و برابری طلبی و به جنبش آزادی زن در سطح بین المللی بود که توسط آکادمیا و رسانه ها به پیش برده شد.

نسبیت فرهنگی مقابله با تبعیض یا توجیه آن؟

نسبیت فرهنگی یک تز ارتجاعی و راسیستی است زیرا عملاً دو دسته حقوق و ارزش های اجتماعی، اخلاقی و حقوقی را برای شهروندان تبلیغ و تأیید می کند. این تز که از محصولات جانبی عروج دیدگاه پست مدرنیستی پس از سقوط بلوک شرق است، هر نوع عقب ماندگی، سرکوب، تحدید آزادی، اعمال تبعیض را بر مبنای یک پدیده کاملاً اختیاری، یعنی فرهنگ، توجیه و تشویق می کند. اصول و معیارهای پیشرفت سیاسی - اجتماعی، عدالت طلبی، آزادیخواهی و برابری طلبی بشری را پوچ و بی پایه می نامد. سنگسار یا مثله جنسی دختران، پدیده هایی که بشریت آزادیخواه، جنبش آزادی زن و جنبش سوسیالیستی علیه آن مبارزه کرده و به سنت هایی عتیق بدل کرده بود، به روش هایی قابل قبول و دفاع بدل می شوند! چرا؟ "چون مذهب یا فرهنگ عده ای آنرا تجویز می کند." به همین سادگی. عروج تز نسبت فرهنگی و دیدگاه پست مدرنیستی فعالیت جنبش آزادی زن علیه سنن، فرهنگ و رژیم های ارتجاعی را با موانع جدی مواجه ساخت.

تولد جنبش نوین آزادی زن

تولد رژیم اسلامی و فاز نوین جنبش حقوق زن در ایران همزمان بود. این دو پدیده

اسلام ضد زن است!

گرایش اصلاح طلب حکومتی و اصلاحات ناچیز در چهارچوب نظام اسلامی دفاع می کند. و لذا شلاق اختناق و سانسور آنچنان شامل آن نمی شود.

اما گرایش دوم، گرایش رادیکال، خیر. امکان ندارد که صریح و روشن خواست های خود را بیان کند. این نتیجه اجتناب ناپذیر حاکمیت یک دیکتاتوری خشن است. لذا اگر در تحلیل و تبیین مناسبات سیاسی - اجتماعی جامعه صرفا به گفته ها و نظراتی که علنا ابراز می شود، توجه شود و ترند های پایه ای تر زیر سطح مسائل در نظر گرفته نشود، ما به یک تحلیل سطحی و صورت ظاهری می رسیم. عموم تحلیل های ژورنالیستی و جامعه شناسانه از جامعه ایران اینگونه سراغ مسائل می روند. لذا اینگونه تحلیل ها خواست های زنان در ایران را بسیار محدود جلوه می دهند. بنا به این تحلیل ها "زنان در ایران خواهان سرنگونی رژیم نیستند و به برخی اصلاحات ناچیز راضی اند." این تصویر کاملا با تصویری که اصلاح طلبان حکومتی می کوشند از جامعه ایران ارائه دهند، تطابق دارد.

از این تحلیلگران باید پرسید: آیا زنان فقط یک روسری نازک تر میخواهند، یا فقط علیه حجاب اجباری اند؟ این نسل عصیان، نسل استقامت و جسارت خواست ها و مطالباتش بسیار فراتر می رود. مرزهای رژیم اسلامی را کاملا در می نوردد. "نه" آنها به رژیم اسلامی، به نظام زن ستیز و مردسالار، به تبعیض و اختناق کاملا روشن و صریح و شفاف است. آزادی و برابری چکیده خواست آنها است. خواست هایی که نه با رژیم اسلامی و نه با رژیم از نوع رژیم سابق خوانایی و سنخیت ندارد.

صفحه ۵

ایران:

انقلاب زنانه، مصافی مهم علیه اسلام ...

جنبش آزادی زن یک جنبش سیاسی است

حکم اپوزیسیون درباری و "مجاز" رژیم را دارند. تمام هم و غم این گرایش حفظ رژیم اسلامی، حال با یک سری اصلاحات ناچیز است.

در چپ، گرایش رادیکال است که خواهان آزادی بی قید و شرط زنان و برابری واقعی و اجتماعی آنها است. این گرایش را من جنبش آزادی زن می نامم. جنبشی که برای آزادی کامل و برابری واقعی مبارزه میکند. این گرایش کاملا سکولار است. از آنرو که تمام مذاهب زن ستیز اند و لاجرم یک رژیم مذهبی بنا بتعریف زن ستیز است، لذا جدایی مذهب از دولت یک پیش شرط سیاسی آزادی زن است. این گرایش بناگزیر چپ است و برای تغییرات پایه ای و بنیادی در مناسبات جامعه مبارزه می کند. زیرا آزادی کامل و بدون قید و شرط و برابری واقعی و اجتماعی تحت مناسبات سرمایه دارانه قابل دستیابی نیست و لاجرم همراه یا بدنبال سرنگونی رژیم اسلامی باید واژگونی نظام سرمایه داری نیز عملی گردد.

یک سوال در اینجا مطرح میشود: آیا این گرایشات کاملا متمایز و تعریف شده اند و به اسم خود حرف میزنند و خواست های خود را مطرح می کنند؟ گرایش اول، یعنی ملی - اسلامی کما بیش چنین است. زیرا با مبانی رژیم اسلامی تضادی ندارد و صرفا از

جنبش حقوق زن بعنوان یک جنبش اجتماعی وسیع در عمق جامعه نفوذ کرده است. این جنبش، ماهیتا سیاسی است. هر نوع تحول و اصلاحی در وضعیت زنان به مقابله جدی با رژیم اسلامی گره می خورد و حکومت اسلامی در مقابل هر بهبودی حتی ناچیز در موقعیت زنان یک سد محکم سیاسی - ایدئولوژیک ایجاد کرده است. ایران جامعه ای است که لاک ناخن، ماتیک و چکمه در آن به یک امر سیاسی مهم بدل شده است و خلاقکار با مجازات سنگین مواجه میشود. جنبش حقوق زن برای رسیدن به خواست های خویش مجبور به درگیر شدن با رژیم اسلامی است. یک شرط لازم دستیابی به آزادی زن سرنگونی این رژیم است. در چنین شرایطی این ادعا که جنبش حقوق زن یک جنبش غیرسیاسی است، یک ادعای پوچ است که یا بعنوان پوششی برای ممانعت از سرکوب پلیسی از آن استفاده میشود و یا تلاشی مذبوحانه از جانب برخی گرایشات درون جنبش حقوق زن است بمنظور تحدید افق و خواست های این جنبش و اسیر کردن آن در چهارچوب نظام اسلامی

گرایشات مختلف جنبش حقوق زن

جنبش حقوق زن دارای گرایشات متفاوت است. در راست، جریانات ملی - اسلامی که به فمینیست های اسلامی معروف شده اند، قرار دارند. گرایشی دفاعی که تلاشش در وهله اول نه دفاع از حقوق زن، بلکه حفظ جنبش زن در چهارچوب محدودیت های اسلامی و رژیم اسلامی است. بیک معنا این گرایش ستون پنجم رژیم اسلامی درون جنبش حقوق زن است. اینها به یمن برخوردار از آزادی نسبی در داخل و استقبال گرم رسانه های وابسته به دولت های غربی، چهره هایشان به افراد سرشناس بدل شده اند و امکانات وسیعی چه در ایران و چه در سطحی بین المللی دارا هستند. اینها

آزادی زن نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه: آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!

برجسته جنبش آزادی زن و خواست آزادی زن، در جنبش سرنگونی طلبانه مردم اشاره دارد. این جنبش در عین حال بنظر من هم‌تراز جنبش های مهم بین المللی در طول تاریخ برای حقوق و آزادی زن است. بطور نمونه جنبش سافریجیت، جنبش آزادی زن در انقلاب اکتبر و پس از آن در روسیه و شوروی که دستاوردهای بسیار مهمی داشت و جنبش آزادی زن در دهه 60 و 70 میلادی در غرب که به انقلاب جنسی معروف شده است.

آزادی زنان در ایران از سلطه رژیم اسلامی، در عین حال تأثیر بسیار مهمی در کل منطقه دارد. تمام دنیایی که تحت اسلام قرار دارد، با سرنگونی رژیم اسلامی در ایران نسیم آزادی را احساس خواهد کرد. در این منطقه اختناق زده دریچه ای بسوی آزادی جنسی، برابری جنسیتی و سکولاریسم باز خواهد شد.

سرنگونی رژیم اسلامی و پیروزی جنبش آزادی زن در ایران یک ضربه مهم به اسلام است. جنبش سرنگونی طلبانه مردم در ایران به‌مراه جنبش آزادی زن، با سرنگونی رژیم اسلامی جنبش تروریستی اسلامپستی را نیز حاشیه ای میکند و با اسلام همان کاری را میکند که انقلاب 1789 فرانسه با مسیحیت و کلیسا کرد. *

ایران: انقلاب زنانه، مصافی مهم علیه اسلام ...

برابری و عدالت مبارزه کرده اند، مثل انقلاب 57؛ در تمام این موارد، زنان وسیعاً در تحولات سیاسی و خیزش ها شرکت فعال داشتند، اما پس از فیصله یافتن جنبش، زنان از پیش نیز بیحقوق تر شدند. این بار اما زنان نه فقط بعنوان زن بلکه بعنوان یک فعال جنبش عمیق و وسیع اجتماعی آزادی زن، سکولاریسم و خلاصی فرهنگی علیه رژیم اسلامی می جنگند. یک خصلت قابل توجه جنبش آزادیخواهی در ایران این واقعیت است که فقط زنان نیستند که برای آزادی زن مبارزه می کنند، بلکه مردان زیادی نیز در این جنبش سهیم اند.

از این رو است که بنظر من توصیف انقلاب آتی در ایران بعنوان یک "انقلاب زنانه"، توصیفی که منصور حکمت در سال 2000 در انجمن مارکس لندن، در سمیناری تحت عنوان "آیا کمونیسم در ایران امکانپذیر است؟" مورد استفاده قرار داد، بسیار گویا و وصف حال است. این عبارت به عنصر

زنان در خیزش توده ای اخیر نقشی که زنان و جنبش آزادی زن در خیزش اخیر بازی کرده اند، حیرت و تحسین تمام جهانیان را برانگیخته است. زنان با جسارت بی نظیر بعضاً پیشاپیش جنبش مردم حرکت می کنند. بعضاً در نقش رهبری آن ظاهر میشوند. این جنبش با تمام آزادیخواهی، برابری طلبی، سکولاریسم، مدرنیسم و پیشرویی اش علیه رژیم اسلامی مبارزه می کند. این یک نکته مهم و برجسته است. این فقط زنان نیستند که بقول جمله مردسالارانه ی معروف "دوش بدوش مردان" مبارزه می کنند. این جنبش آزادی زن است که یک جایگاه رفیع و برجسته در جنبش سرنگونی طلبانه مردم دارد. تأکید بر این امر مهم است.

لحظات مهمی در تاریخ معاصر و مدرن وجود دارد، که "زنان دوش بدوش مردان" برای یک امر سیاسی مبارزه کرده اند و پس از پایان آن جنبش معین به گوشه آشپزخانه فرستاده شده اند؛ بطور نمونه مبارزات ضد استعماری که یک نمونه برجسته آن الجزایر است، یا جنبش هایی که برای آزادی و

تلویزیون مدوسا

برنامه ای از آذر ماجدی

روزهای جمعه ها از ساعت 2 تا 3

بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی

کانال: KMTV مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

به دوستانتان اطلاع دهید!

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۳۰، ۱۸ بوقت

تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

کانال: KM TV

به دوستانتان اطلاع دهید!

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!



مسئله سرنگونی اگر حاد شود، هیچ دلیلی به حمایت ارتش از النهضه وجود ندارد. ارتش در بهترین حالت میتواند نقش خود را در خیزش مردم برای سرنگونی بی‌علی تکرار کند. ارتش تونس نیز بعنوان یک نیروی مهم اعاده حاکمیت سرمایه داری در مقاطع بحرانی میتواند نقش جدیدی شبیه نقش ارتش مصر را ایفا کند. رویدادهای منطقه از جمله سرنگونی مرسی در تونس و اعتراضات توده ای علیه اردوغان در ترکیه، همینطور فعال شدن تروریسم اسلامی در منطقه، شانس غنوشی و النهضه را محدودتر کرده



Demonstrationer i Tunisien mot regeringen. Foto: Hassene Dridi/Scanpix

است. مجموعه فاکتورهای داخلی و منطقه ای و جهانی میگویند که شانس بقای دولت اسلامی النهضه کم و کمتر میشود. نیروی سکولاریسم در تونس قویتر و عزم سرنگونی دولت اسلامی جدی تر شده است.

جنبش اسلامی در تونس، حتی بعد از سرنگونی و یا کنار

صفحه ۷

تونس: حکومت اسلامی باید برود!

سیاوش دانشور

تنها به سلسله اعتراضات گسترده کارگری و توده ای مواجهه میشود. فی الحال اتحادیه های کارگری و احزاب سکولار و چپ خود را برای سازماندهی دور دیگری از اعتصاب عمومی و اعتراضات خیابانی آماده میکنند. نوار مصر دارد کمابیش در تونس تکرار میشود. این دور جدید فشارها و اعتراضات باعث شد که مجلس موسسان عملاً کار خود را تا اطلاع ثانوی تعلیق کند و دولت النهضه که مرتباً کابوس تکرار سرنوشت دولت اخوان المسلمین را دارد وارد سیاست سازش و معامله با جناح های اپوزیسیون شده است.

سه شنبه شب این هفته بیش از 40000 نفر در تونس دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان با عکسهای محمد البراهمی و شکری بلعید، دو شخصیت سکولار چپ که در شش ماه گذشته ترور شدند، به خیابانها آمده بودند. آنچه در این اجتماع بروشنی خود را نشان میداد این بود که جمعیت وسیعتری با صدای واحدی اعلام میکنند که؛ حکومت اسلامی نمیخواهند و دولت النهضه باید برود!

زیر فشار اعتراضات توده ای مستمر در هفته جاری، مجلس موسوم به تدوین قانون اساسی، کار خود را تعطیل اعلام کرد و دولت اسلامی النهضه خواهان تشکیل یک "دولت وحدت ملی" و گفتگو با اپوزیسیون شده است. در حالی که در بالا برای بقا سیاست سازش و تقسیم قدرت طرح میشود، مردم در خیابانها خواهان انحلال رسمی مجلس موسسان و برکناری دولت اسلامی تونس هستند.

غنوشی و النهضه تلاش دارند که به سرنوشت مرسی و اخوان المسلمین دچار نشوند. اما محدودیتهایشان بسیار بیشتر از مرسی و اخوان المسلمین است. وانگهی ارتش تونس از جنس ارتش مصر است. غنوشی نمیتواند حساب جدی روی ارتش تونس باز کند.

تظاهرات گسترده سه شنبه شب در روزهای بعد در نقاط مختلف تونس ادامه یافت. دهها هزار نفر در محل خاکسپاری محمد البراهمی تجمع کردند و شعارهای ضد حکومتی دادند. روز بعد، گروههای جوانان و کمیته های محلات و مردم معترض و سرنگونی طلب خیابانها و جاده ها را بلوک کردند، لاستیک آتش زدند و با پلیس ضد شورش درگیر شدند. پلیس با شلیک گاز اشک آور و حمله به تظاهرکنندگان تلاش داشت اوضاع را کنترل کند. شدت عمل پلیس نتیجه عکس داد و دامنه تظاهراتها گسترده تر شد. معنی این امر اینست که در مقاطعی جامعه میخواهد از پدیده ای عبور کند و تصمیم بر عبور در روانشناسی توده ای مردم جایگاه مهمی پیدا میکند. در این اوضاع سیاست سرکوب بی خاصیت است و

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!



تونس:

حکومت اسلامی باید برود! ...

رفتن دولت النهضه، تلاش میکند موقعیت خود را حفظ کند. یا تروریسم را به سیاست اساسی خود برای جنگ قدرت تبدیل میکند و یا موقعیت جدیدش را در حاشیه جامعه میپذیرد. آنچه مهم است اینست که در تونس نیروهای پیشرو در جامعه در صفی واحد و جهتی واحد به نقطه سازشها تن ندهند. هر نقطه سازشی که اسلام را در قلب قوانین و نظام سیاسی - اداری نگاه میدارد، هر نقطه سازشی که اعمال قدرت مستقیم و توده ای کارگران و مردم را کنار میگذارد، هر نقطه سازشی که میخواهد مردم را خانه بفرستد و احزاب دست راستی و ناسیونالیست و اسلامی سرنویشت جامعه را تعیین کنند؛ هدفی جز شکست دور جدید خیزش توده ای و انقلابی مردم در تونس را ندارد.

خواست "سرنگونی دولت اسلامی النهضه" باید عملی و تثبیت شود. این فوری ترین گام اردوی آزادی و برابری و سکولاریسم در تونس است. بدرجه ای که امر سرنگونی دولت النهضه در دور سازش و پروسه مذاکرات طول بکشد، به عملی شدن سناریوهای دیگر میدان میدهد. سناریوهایی که ماهیتا راه حل راست را در مقابل راه حل انقلابی و چپ و کارگری برجسته میکند. *

پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!

با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریع ارسال کنید.

جمع های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آپارتاید جنسی لغو باید گرده شرت کنید.

دوستان و آشنایان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

زن و سرمایه داری

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پانین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

به سازمان آزادی زن پیوندید!



بمناسبت ششمین سالگرد تأسیس خانه مدوسا!

شهلا نوری

در آستانه ششمین سالگرد تأسیس دفتر سازمان آزادی زن، خانه مدوسا قرار داریم.

هدف ما در دفتر سازمان آزادی زن مبارزه در جهت آزادی انسان، صرف نظر از جنسیت، مذهب و ملیت است. ما برای برابری کامل زنان و علیه هرگونه تبعیض مبارزه می کنیم. ما به دختران جوان و زنان کمک می کنیم تا در جهت بالابردن اعتماد بنفس خود و دستیابی به یک زندگی بهتر تلاش کنند.

خانه مدوسا مکانی است برای ملاقات پناهندگان جدید که خود تلاش می کنند با مسائل و معضلات از موضع یک شهروند سوئد برخورد کرده و شرایط رشد و پیشرفت خود را در جامعه جدید فراهم کنند.

شما در خانه مدوسا امکان دستیابی به کلاسهای درسی متفاوت از جمله زبان سوئدی، انگلیسی، علوم اجتماعی، خیاطی و موزیک را خواهید داشت.

در خانه مدوسا امکان ملاقات با فعالین سیاسی اجتماعی و شرکت در سمینارها و کنفرانسهای مختلف نیز موجود است. برای اینکه بتوانید اطلاعات خود در عرصه های متفاوت سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و علمی را بالا ببرید حتماً به خانه مدوسا مراجعه کنید.

در ضمن تلفن اضطراری خانه مدوسا برای همه زنانی که مورد خشونت قرار می گیرند در دسترس است: 0737262622.

این امکانات بخشاً با همکاری اتحادیه آموزشی کارگران سوئد و کمک فعالین عرصه برابری زن و مرد صورت میگیرد.

برای اطلاعات بیشتر با تلفن 0709356418 تماس بگیرید.



لینک برنامه این هفته تلویزیون مدوسا

مدوسا تی وی هر هفته جمعه ها ساعت ۴ و نیم تا ۵ و نیم بعدازظهر بوقت تهران، ۲ تا ۳ بعدازظهر بوقت اروپای مرکزی از تلویزیون کی ام تی وی پخش می شود. در برنامه این هفته آذر ماجدی درباره میتینگ مجاهدین در فرانسه تحت عنوان بالماسکه مجاهدین و همچنین بیانیه هم اندیشی کنشگران ملی - اسلامی صحبت میکند. گفتگوی کریم نوری با آذر ماجدی در رابطه با تقلاهای اپوزیسیون راست و ارتجاعی، و با سیاوش دانشور در باره موقعیت اسلام سیاسی، بویژه پس از ترور محمد البراهی در تونس. پیشنهادات و سوالات خود را برای آذر ماجدی ارسال کنید:

majedi.azar@gmail.com

<http://youtu.be/dt0VjqBF5gE>

برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده!